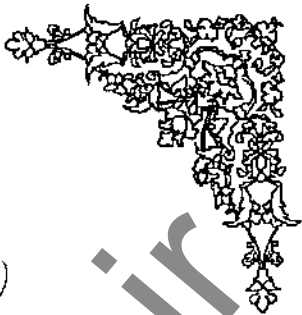




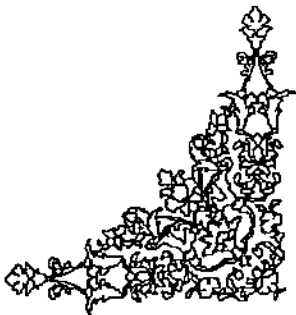
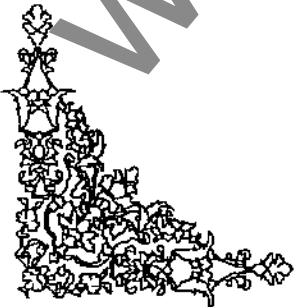
دیوان منجور

میرزا حاج آقا وصال دہقان

مقدمہ و تصحیح

دکتر حسین آقا حسینی

تابستان ۱۳۹۱



سرشناسه	: وصال دهاقانی، علی اصغر، ۱۲۵۲ - ۱۳۳۸.
عنوان و نام پدیدآور	: دیوان مهجور / علی اصغر وصال دهاقانی: به کوشش حسین آقا حسینی.
مشخصات نشر	: اصفهان: انتشارات معظمی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۰ ص.: عکس.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۸۳۴-۰۰-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: پیام علوی، ۱۳۹۰.
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده	: آقا حسینی، حسین، ۱۳۳۶ -
رده بندی کنگره	: IRI ۸۲۹۸ / ص ۹۵۲۴ ۱۳۹۰ الف
رده بندی دیویی	: ۱/۶۳۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۵۳۴۰۸



www.ketab.ir

- ☐ نام کتاب: دیوان مهجور
- ☐ نویسنده: میرزا حاج آقا وصال دهاقانی
- ☐ مصحح: دکتر حسین آقا حسینی
- ☐ به همت: بزرگمهر وصال
- ☐ تنظیم و تایپ: راحله السادات موسوی فرد
- ☐ محل نشر: اصفهان
- ☐ ناشر: معظمی
- ☐ صفحه آرای کامپیوتری: مرضیه ضیایی
- ☐ چاپ و صحافی: انتشار اصفهان ۰۹۱۳۱۷۰۳۵۹۷
- ☐ طراحی جلد: نگار اصفهان
- ☐ قطع اثر: وزیری
- ☐ چاپ اول: تابستان ۱۳۹۱
- ☐ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- ☐ قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه مرحوم دکتر محمدحسین مدرسی	یک
مقدمه قاسم سیاره (آشفته)	سه
مقدمه مصحح	پنج
ساقی نامه	۵
مثنوی ها	۱۹
قصاید	۲۵
مسمطات	۳۹
غزلیات	۷۹
قطعات	۱۰۳
ترجیعات	۱۰۹
تضمین ها	۱۱۹
دویتی ها	۱۲۷
رباعیات	۱۳۱
ماده تاریخ ها	۱۳۵
نوحه ها	۱۴۱
بحرطویل	۱۶۹
ملحقات	۱۷۹

مقدمه مرحوم دکتر محمد حسین مدرسی

دهاقان^۱ یکی از بخشهای سمیرم سفلی قریب به بیست کیلومتری شهرستان شهرضا است. دارای هزاران نفر جمعیت و آب و هوای ییلاقی و اشجار بسیار و باغها و صحرای سرسبز که اگر آفتی به آنها نرسد میوه تر و خشکبارش مرتباً به شهرضا و اصفهان صادر می گردد و می توان آنجا را آجیل خانه آن حدود خواند (نظیر کاشمر نسبت به خراسان).

توده مردم آن سامان دارای استعداد زیاد و ذوق ادبی و عرفانی و طبع شعرند که یکی از ستارگان درخشان آنجا مرحوم علی اصغر مهجور مشهور به حاج آقا میرزا و نام فامیلی وصال است.

دیوان آن مرحوم که پس از فوت او جمع آوری شده دارای غزلیات و قصائد و مثنویات و ملحقاتی است که هر یک از دریای طبع پر از لؤلؤ غلتان و از شاهکارهای ادبی است و می رساند که این سراینده کم نظیر تا چه حد در تاریخ و صنایع بدیعی بصیر بوده و استاد ندیده این ذوق سلیم را به موهبت الهی داشته است.

آنچه این جانب دیدم شغل رسمی آن مرحوم بیشتر سرپرستی مختصر زراعت شخصی بود و گاهی هم به منبر می رفتند و با لهجه محلی خیلی شیرا و شیرین سخن می گفتند و قدرت طبع روان ایشان به قدری قوی بود که در هر موضوعی اگر لازم بود بالبداهه اشعار آبداری را می سرود چنانچه در سال ۱۳۲۰ شمسی که این جانب مسئول اداره بهداشت آنجا شدم و از پیش اسم و شهرت او را شنیده بودم برای فتح باب آشنایی این رباعی را برایش فرستادم:

مهجور مکن زدیدن ما دوری	ما را تو مبین به گوشه مهجوری
باشیم اگر خراب چون مأموریم	داریم امید موقع معموری

^۱ - دهاقان اکنون به شهرستان تبدیل شده و شهر دهاقان مرکز شهرستان دهاقان در استان اصفهان است.

با فاصله کمی این رباعی از ایشان رسید:

مهجورگر از دیدن دکتر دوراست پیداست دراین مرحله او معذوراست
من دردم و او شفا و هرجا که شفا رو بنماید درد از آنجا دور است
و چند بیت دیگر، چون راه رفت و آمد ما باز شد روزی سخن از اشعار سحر حلال مرحوم
اهلی شیرازی به میان آمد که داستانی را با داشتن دو قافیه جناس آن هم به دو بحر سرود
(ساقی از آن شبهه منصرفم* بر رگ و بر ریشه من صوردم) که استقبال از آن اشعار
بسیار مشکل به نظر می آمد اما ایشان به اندک مدتی تا آنجا که به یاد دارم بیشتر از بیست بیت
به همان سبک ساختند و سبک شگفتی همه حضار گردید.

اکنون که دیوان ایشان از سراده به بیاض آمده مشاهده می کنم که چهارده مقاله مرحوم
شیخ محیی الدین عربی را ایشان به فارسی و مانند سحر حلال سروده اند و اگر اندک کسری
دارد طول سخن آن را تدارک می کند چنانچه در بعضی قصائد معظم له هم خدشه هایی
دیده می شود که شاید اصل آنها خوانا نبوده و صحیحاً ضبط نشده باشد و آنگهی «گل بی
خار میسر نشود در بستان» و هر گوینده زبردستی سخنان غث و سمین هم دارد.

باری، باری تعالی او را مأجور و با اولیاء حق محشور فرماید و شب هجران حیاتش به
صبح وصال بعد از مماتش مبدل شده باشد.

به قلم عبد عاصی دکتر محمد حسین مدرسی

۵ دی ماه ۱۳۵۲

آن خط خورده و کنار آن مصراع یا بیت دیگری نوشته شده است. ظاهراً این نسخه در دست افراد متعدد بوده است و هر کدام با سلیقه خود و با خط‌های متفاوت در حاشیه آن مطالبی نوشته‌اند. حتی فردی در جای جای آن نام خود را به یادگار نوشته و از خوانندگان طلب مغفرت کرده است. به همین دلیل ابهامات نسبتاً فراوانی در شعر مهجور هست که بنا نسخه فعلی نمی‌توان آن را برطرف کرد و کار تصحیح را با دشواری مواجه می‌کند. برای برطرف شدن برخی از این کاستیها اصلاح برخی از اشعار به شاعر معاصر آقای قاسم سیاره «آشفته» واگذار شده بود اما با همه کوشش ایشان برخی از این کاستیها و دشواریها هنوز باقی است.

این دیوان در سال ۱۳۵۲ با عنوان صبح وصال در قم چاپ شده است که در آن نظم و نسق خاصی دیده نمی‌شود و اشتباهات فراوان در آن راه یافته است. ظاهراً نسخه دیگری در دست ناشر بوده است زیرا گاهی مصراعها یا بیتها با نسخه خطی تفاوت دارد. همچنین برخی از اشعار دیوان چاپی در نسخه خطی دیده نمی‌شود و برعکس برخی از شعرهای نسخه خطی در آن چاپ موجود نیست. باید امیدوار بود تا نسخه دیگری از این دیوان به دست آید تا کاستیهای موجود برطرف شود.

دیوان مهجور در بردارنده انواع قالبهای شعری است که باختصار به آن اشاره می‌شود.

ساقی‌نامه

سرآغاز دیوان مهجور ساقی‌نامه‌ای است که به تقلید از مثنوی «سحر حلال» اهلی شیرازی سروده شده. این ساقی‌نامه که بیش از دویست بیت دارد بر همان وزن و همان مضامین سحر حلال سروده شده، شاعر کوشیده است تا حد ممکن شعرش ذوب‌حیرین و ذوق‌افیتین باشد و در این راه نیز از توفیق نسبی برخوردار بوده است.

ساقی از آن آب چو یاقوت ده بر دل و بر دیده ماقوت ده
جامی از آن راحت جانی یار در بر این خسته جانی یار
بزم دل از باد چو آراستی مستی و آنگه سخن از راستی
مطرب خان همدم دل ساز کن نغمه‌ای از عالم دل ساز کن
بر رگد جگر نغمه منصور زن بهر حیات دل من صور زن
اغلب این ابیات چنان که دیده می‌شود هم در بحر سریع (مفتعلن مفتعلن فاعلن) خوانده می‌شود هم در بحر رمل (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن). در این ساقی‌نامه گاهی بیت‌های زیبا و کم‌نظیری دیده می‌شود که در آن علاوه بر وزن و قافیه صنایع ادبی متعددی به کار رفته است. در ابیات مذکور شواهدی از آن را می‌توان یافت.

این ساقی‌نامه در حقیقت شهادت‌نامه اعضای مهجور است، زیرا در آن ابتدا مبانی اعتقادی و توحیدی خویش را بیان کرده و ستایش حضرت حق را حسن مطلع کلام خویش قرار داده است. سپس به ستایش چارده خورشید تابان پرداخته به آنان توسل جسته است. دست توسل زده بر چارده خاصه می‌باشد چارده چارده مهجور متناسب با زندگی هر یک از چهارده معصوم (علیهم السلام) ساقی‌نامه خویش را نظم بخشیده و هر قسمت را به ترتیب به یکی از آنان اختصاص داده است.

مثنوی

مهجور بجز ساقی‌نامه چند مثنوی دیگر نیز دارد که مجموع ابیات آن کمتر از صد بیت است و این نشان می‌دهد که مثنوی در دیوان او جایگاه چندانی ندارد. یکی از این مثنویها که سی و هفت بیت دارد با عنوان «سیر من الحق الی الحق» است که احتمالاً آن را تحت

مقدمه قاسم سیاره (آشفته)

نیست آسان کار سخت موشکافی‌های ذوق

از ظرافت فکرتی چون تار مو بایست داشت

عارف و شاعر زنده یاد شادروان حاج آقا مهجور از افتخارات دهاقان، زادگاه اینجانب است، پدرم مرحوم هاشم سیاره از سال ۱۳۱۰ شمسی که بنده هفت سال داشتم در شهرضا مسکن گزید، از خوشترین خاطراتم اینکه حاج آقا مهجور هر وقت به شهرضا تشریف می‌آوردند کلبه در ریشی ما با قدوم مبارکشان صفا می‌یافت و چند روز اقامتشان در شهرضا را افتخار خدمتگزاری داشتم. مرحوم ایشان دارای قامتی بلند و لاغر اندام و بسیار خلیق و مهربان و خوش صحبت و متواضع بودند و بنده با اینکه محصل دبستان بودم از طرز کلام محبت آمیز و نگاه نافذشان که با آن چشمان درشت از پشت شیشه عینک ظریف نقره‌ای همراه با شکر خندی پدرا نه ابراز می‌شد لذت می‌بردم و اکنون که اشعار گوهر بار ایشان را مطالعه می‌کنم و نیز به گواهی مرحوم پدرم، سروده‌های شادروان مهجور که از اطلاعات عرفانی و نکات عربی مشحون است، لذت می‌برم به ویژه از صنایع به کار برده ایشان که اکثراً جناس را به حد اعلای توانائی رعایت فرمودند محظوظ می‌شوم.

جای بسی خوشوقتی است که جناب آقای بزرگمهر وصال فرزند مرحوم عطاء الله وصال مبادرت به جمع آوری و بازنویسی آثار مرحوم حاج آقا مهجور نموده که ذوق و ادب و متانت و حسن خلق را که از جد بزرگوارشان به یادگار دارند به منصه ترفی و آگاهی صاحب دلان رسانیده و این میراث گرانها را نیز در اختیار اهل بصیرت می‌گذارند، ضمناً مقابله این کتاب را با چاپ قبلی به عهده این جانب واگذار نمودند که با عرض تشکر صمیمانه از محبت ایشان تا حد توانایی به انجام رساندم.

سلامت و توفیق ایشان و بقیه خاندان محترم و ارجمند مهجور را از خداوند در

خواست دارم.

ارادتمند، آشفته - اردیبهشت ۱۳۸۱

بزرگمهر وصال



آشفته



مقدمه مصحح

ساقی از آن آب چو یاقوت ده
بر دل و بسر دیده ماقوت ده

میرزا حاج آقا (علی اصغر) دهاقانی متخلص به مهجور از شاعران متأخر دهاقان است که از وی دیوان شعری به یادگار مانده است. مهجور فرزند حاج غلامحسین متخلص به محزون است که وی نیز از ذوق و قریحه شاعری بهره‌مند بوده و از او نیز دیوان شعری در دست است. مهجور در خانواده‌ای متدین و معتقد به دنیا آمد. وی ظاهراً تنها فرزند ذکور محزون بوده است.

تاریخ ولادت محزون را حدود سال ۱۱۹۷ هـ.ش (نزدیک به دویست سال پیش) و وفات او را نیز ۱۲۷۲ هـ.ش نوشته‌اند^۱. اما ولادت مهجور سال ۱۲۵۴ و سال وفات او ۱۳۲۸ هـ.ش بوده است. شغل غلامحسین (محزون) بارچه فروشی بوده و از این راه امرار معاش می‌کرده است. این خانواده سالها تولیت حسینیه اعظم دهاقان را بر عهده داشته‌اند. این حسینیه مرکز برگزاری مراسم مذهبی بوده و هنوز هم جایگاه خویش را حفظ کرده است. مهجور در مکتب پدر خویش کسب فیض کرده و علم آموخته است. وی همچنین از محضر جهانگیرخان قشقایی بهره‌برده و احتمالاً مثنوی «سر من الحق الی الحق» را تحت تأثیر درسهای این استاد سروده است.

ارزش ادبی شعر مهجور

بررسی شعر مهجور نشان می‌دهد که وی از علوم مختلف بهره‌ها داشته و به وسیله این علوم شعر خویش را غنا بخشیده است؛ به طوری که نشانه‌ها و آثار آن را در جای جای شعر او می‌توان مشاهده کرد.

۱- دیوان محزون دهاقانی - تصحیح پروانه وصال (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) به راهنمایی دکتر حسین آقاچینی، ۱۳۸۸، ص ۳ و ۴.

مهجور در سرودن شعر نیز مهارت کافی داشته و اصول و فنون آن را بخوبی می‌شناخته است. به گونه‌ای که در اغلب انواع قالبهای شعری طبع خویش را آزموده و در این آزمونها نیز موفق و سر بلند بوده است. قصیده، غزل، مثنوی، ترجیع‌بند، مسمط، رباعی، دوبیتی، قطعه و بحر طویل همه در دیوان او دیده می‌شود. کلام او روان، ساده و به دور از هر گونه تعقید و تکلف است. وی در بسیاری از وزنهای عروضی شعر سروده و نشان داده است که با این اوزان و کاربرد درست آن آشنایی کامل داشته است. اغلب وزنهایی که او در آن شعر سروده روان و مطبوع است و گاهی در این زمینه دست به ابتکاراتی زده و در وزنهایی شعر سروده که در شعر پیشینیان بی‌سابقه است. این ابتکارات عمدتاً در نوحه‌های اوست.

مضمون بسیاری از شعرهای مهجور مدح و منقبت خاندان رسالت و مراثنی اهل بیت (علیهم السلام) است. بجز غزلیات، کمتر شعری از مهجور می‌توان یافت که در آن از واقعه کربلا سخنی به میان نیامده باشد. وی حتی هرجا در مدح و منقبت خاندان رسالت (علیهم السلام) شعری سروده است آن را با واقعه کربلا و مظلومیت شهدای آن پایان برده است. ارادت خاص او به اهل بیت پیامبر (ص) و بویژه امام حسن (علیهم السلام) سبب شده است تا عمده دیوان او را مدح و رثاء این خاندان در برگیرد. وی در این باب نوحه‌های کم‌نظیری سروده است، که سالهاست در مراسم عزاداری مردم دهقان و دیگر شهرها از آن استفاده می‌شود.

از دیوان مهجور تنها یک نسخه به قلم محمدعلی انصاری باقی مانده است. تاریخ کتابت آن شش سال بعد از درگذشت شاعر یعنی سال ۱۳۳۴ شمسی است. اما متأسفانه در بسیاری از بیتها دست برده شده و تغییراتی انجام گرفته است گاهی کلمه‌ای را کاملاً محو کرده‌اند و به جای آن کلمه دیگری نوشته‌اند. گاهی مصراع یا بیتی بکلی تغییر کرده یا اصل

گفتم مخدره زچه بی پرده آمدی فرقی است آشکار درخت و گیاه را
 بنمود جمع ابرو و مژگان و زلف و خال از بهر جنگ خوانده به مرکز سپاه را
 ای سیم تن لباس تو با مرد شد شیه گفتا به بوسه رفع کن این اشتباه را

فرم جدید بین که چه سان کرده این زمان

یکسان چه مرد و زن چه گدا و چه شاه را

در میان غزلیات او یک غزل هم به شیوه غزلیات عرفانی سعدی سروده شده که وزن و

قافیه آن به پیروی از یکی از قصاید مشهور سعدی بدین مطلع سروده شده است.

چو مرد رهرو اندر راه حق ثابت قدم گردد وجود غیر حق در چشم توحیدش عدم گردد^۱
 (سعدی)

هر آن سالک که محو نور سلطان قدم گردد به چوگان رضا چون گوی سر تا پا قدم گردد
 (مهجور)

ترجیع بند

در میان اشعار مهجور تنها یک ترجیع بند نسبتاً بلند یارده بندی دیده می شود که تعداد

بیت های هر بند متفاوت است. بیشترین آنها بند پنجم با هجده بیت و کمترین آن بندهای هفتم

و هشتم هر یک با چهار بیت است. این ترجیع بند نیز متأثر از ترجیع بند مشهور سعدی است

که بیت ترجیع آن چنین است.

بنشینم و صبر پیش گیرم دنبالہ کار خویش گیرم^۲

۱. قصاید سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۷، ص ۱۲.

۲. غزلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۷، ص ۵۲۸.

بیت ترجیع مهجور نیز چنین است:

بنشینم و های های گریم	چون نی به دو صد نوای گریم
این ترجیع بد بدینگونه آغاز می شود:	
افتاده ام ای عجب به بندی	در طرّه گیسوی کمندی
آن طرّه مشک بو که باشد	همچون شب هجر از بلندی
افسرده و بی کس و غریبی	در مانده و زار و مستمندی

تضمین ها

مهجور سه غزل حافظ و یک غزل سعدی را نیز تضمین کرده و از عهده آن بخوبی برآمده است. مطلع سه غزل حافظ چنین است:

معاشران ز حریف شبانه یاد آرید	حقوق بندگی مخلصانه یاد آرید
صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد *	ورنه اندیشه این کار فراموشش باد
به دور لاله قدح گیر و بی ریا می باش *	چو عجب همنفس محرم صبا می باش ^۱

مطلع غزل سعدی نیز چنین است:

گر دست دهد هزار جانم	در پای مبارکت فشانم ^۲
----------------------	----------------------------------

هر سوی روم به جستجویت	پر نیست که تا برم به سویت
جان رفت ز تن در آرزویت	شب نیست که از فراق رویت

زاری به فلک نمی رسانم

۱. دیوان حافظ، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۷، صص ۱۶۳، ۱۶۴ و ۱۸۵.

۲. غزلیات سعدی، ص ۲۳۶.

ماده تاریخ

یکی دیگر از هنرنماییهای مهجور سرودن ماده تاریخ است که به ترتیب تاریخ وفات شخصیت‌های زیر را به نظم در آورده است.

۱- حاج غلامحسین متخلص به محزون، والد مهجور - ۱۳۱۴ هـ.ق.

۲- فیلسوف بزرگ معاصر جهانگیر خان فشقایی - ۱۳۲۸ هـ.ق.

مهجور خواست سال و دانش از پیر عقل گفتا شد آفتاب جهانگیر منکسف

۳- حاج سید جعفر عمادی - ۱۳۵۱ هـ.ق.

۴- شیخ محمد خراسانی - ۱۳۶۲ هـ.ق.

۵- شهید آیت‌الله سید حسن مدرس - ۱۳۵۶ هـ.ش.

ز سر بگذشت طایر گفت با مهجور تاریخش مدرس جو حسن سبط نبی مسموم شد یاران

نوحه‌ها

اوج هنرنمایی شعر مهجور را، باید در نوحه‌های او جستجو کرد. نوحه‌هایی که در وزن و موسیقی آن ابتکارانی به کار گرفته شده که در شعر پیشینیان کمتر به کار رفته است. این اوزان شعری زمانی در شعر مهجور استفاده شده که زمزمه‌هایی از تغییر و تحول آوری در شعر معاصران وی مانند صادق سرمد و ملک‌الشعرا بهار دیده می‌شود. اگرچه نوحه‌های باقی‌مانده از مهجور اندک است اما تقریباً در همه آنها نوعی موسیقی خاص دیده می‌شود. یکی از مشهورترین نوحه‌های وی چنین است:

یا امیرالمؤمنین ای شهسوار ملک دین	در زمین	شورش محشر بین
بر حسینت یک نظر بنما به احوال حزین	در زمین	شورش محشر بین

اهل بیت طاهرینت تا به اطفال صغیر دستگیر در کف اعدا اسیر
مانده از یک سلسله در سلسله غم عابدین در زمین شورش محشر بین
چنان که دیده می شود وزن شعر چنین است.

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن / فاعلن / فاعلاتن فاعلن

که باید آن بحر رمل محذوف، نامید. اما بر خلاف مرسوم تعداد ارکان آن فرد است.
یعنی هفت رکن دارد که از این جهت هم در ادب فارسی کم نظیر است.
در «نوحه صدیقه طاهره» نیز این تغییرات وزنی دیده می شود.
بدینگونه که دو بیت اول آن در وزن،

مستفعلاتن مستفعلاتن / مستفعلاتن مستفعلاتن است.

اما بیتهای سوم و ششم و هشتم که حراره بیت است با اندکی تغییر سروده شده است.
یعنی: مستفعلن مستفعلن مستفعلاتن.

در این ابیات اولاً وزن دو بیت اول دوری است یعنی بین هر نیم مصراع مکث می شود.

ام الأئمه، زهراى اطهر
ام ایها، دخت بیمبر

ثانیاً هر مصراع از دو رکن مستفعلاتن تشکیل شده.

ثالثاً، بیت سوم سه رکنی است که مرکب از دو مستفعلن و یک مستفعلاتن است؛ البته
می توان وزن را اینگونه هم بیان کرد.

مستقلن / فع / مستفعلن / فع (دو بیت اول)

مستفعلن / مستفعلن / مستفعلن / فع

و چنین گفت که بیت سوم یک مستفعلن بیشتر و یک فع کمتر دارد، نکته جالب این است
که در «نوحه حضرت علی اکبر» وزن مصراعهای فرد چنین است.

یکی از این دو ویژگی ملمع بودن شعر است به گونه‌ای که نیم مصراع اول فارسی و نیم مصراع دوم عربی است. همچنین برخی از نیم مصراعات عربی اقتباس از آیات قرآن کریم است. ویژگی دوم مربوط به وزن شعر است که نشان می‌دهد او تا چه حد به ظرایف وزنی توجه داشته.

وزن مصراع اول بیت اول چنین است: مفتعلن فاعلان / مستعلن فاعلن

وزن مصراع دوم نیز چنین است: مفاعلن فاعلان / مستعلن فاعلن

اولاً در رکن‌های اول هر مصراع از قاعده قلب (جابجایی هجای کوتاه و بلند) استفاده شده که یک قاعده عروضی است. یعنی مفاعلن به جای مفتعلن، ثانیاً در نیم مصراع دوم از یک قاعده عروضی دیگر استفاده شده که معمولاً در شعر فارسی کمتر اتفاق می‌افتد و آن آوردن هجای بلند در برابر هجای کوتاه است. پس آوردن مستعلن به جای مفتعلن یا مفاعلن. به طور کلی مسطرات مهجور از جنبه لفظ و معنا غنی و پربار است.

غزلیات

در دیوان مهجور چهل غزل دیده می‌شود که از جهت لفظ و معنا به همان شیوه غزل‌های پیشینیان است. در غزل او ابتکار خاصی دیده نمی‌شود و ابداعی نیز در آن نمی‌توان یافت، تنها در غزل چهارم تعریض گونه‌ای به کشف حجاب و پوشش کت و شلوار برای زنان دیده می‌شود که از جهت معنا در نوع خود تازگی دارد.

آن آفتاب رو که زده پنجه ماه را	با شانه یک طرف زده زلف سیاه را
بنمود بس نکو کت و شلوار را به بر	از راستی نهاده به سر کج کلاه را
بر رگم سلسله همی افشان نمود زلف	کوتاه کرده دست دل بی گناه را

مسمطات

از میان انواع قالبهای شعری مسمط بیشترین حجم را در دیوان مهجور به خود اختصاص می‌دهد. این مسمطات عمدتاً با مدح امامان شیعه یا شهداء کربلا آغاز می‌شود و سرانجام با ماجرای کربلا و رثاء شهداء آن پایان می‌پذیرد. مهجور در مسمطات خود مهارت و تسلط خویش را در سرودن این نوع شعر نشان داده است. در برخی از این مسمطات تغزل گونه‌هایی هست که زیبایی خاصی دارد. مثلاً در مسمطی که در مدح و رثاء یکی از شهداء کربلا سروده چنین می‌گوید:

تا چند بتا گیری، از این دل پر خون تاج در ملک بدن تازی، تا کی سپه تاراج
ای تاج سرخویان، وای بر سر خویان تاج ابروی کجبت جاننا، مدوح‌ترین منهج
محراب دو ابرو، بخت باشد حجر حجّاج...

تا طره دلدارم، از شوق به دست افتاد بر شیشه و بر ساغر، زان شوق شکست افتاد
کار دل دیوانه، با نرگس مست افتاد کیر مره خونریز، یکبار ز شست افتاد
قلب من افتاده، شد تیر در آملج

برخی از مسمطات مهجور دارای وزن دوری است. در مسمط زیبایی «صبح سعادت دمید» دو ویژگی دیده می‌شود که از مهارت شاعر در سرودن شعر از جهت لفظ و مضمون حکایت دارد و جلوه خاصی به شعر او داده است.

صبح سعادت دمید، یا ایها النّائمون سروش مأمن رسید، یا زمره الخائفون
باده فراز آورید، فاینکم قادرون منعم مطلق رسید، لعلکم تشکرون

وحدت صرف آمده، لوکره المشرکون

تأثیر اندیشه‌های جهانگیرخان قشقایی (۱۲۳۴-۱۳۲۸ هـ.ق) فیلسوف بزرگ متأخر سروده است. چنان که گفته شد مهجور از محفل درس جهانگیرخان کسب فیض کرده است.

سالها دل ز وفا مایل یزدانی بود
روز و شب شیفته عالم حیرانی بود
نکته قالب در این مثنوی، قالب خاصی است که وی انتخاب کرده است. قالبی که این شعر را از قالب مثنوی صرف که هر بیت دارای قافیه است بیرون می‌آورد، در این شعر چهار مصراع دو بیت اول دارای قافیه و ردیف یکسان است و چون قالب خاصی در کتابهای بدیعی برای آن تعریف نشده است باید آن را در ردیف مثنوی قرار داد.

سالها دل ز وفا مایل یزدانی بود
روز و شب شیفته عالم حیرانی بود
نه همین در طلب از نشئه جسمانی بود
بلکه جویای وی از عالم روحانی بود
قافیه هر چهار مصراع بیتهای سوم و چهارم نیز یکسان است اما با بیتهای اول و دوم تفاوت دارد. اما از بیت پنجم به بعد در هر چهار مصراع دو بیت دارای قافیه یکسان، سپس یک بیت دیگر با قافیه متفاوت نسبت به دو بیت قبلی آورده است و این شیوه تا پایان ادامه می‌یابد. یعنی دو بیت که هر چهار مصراع آن قافیه یکسان دارد، سپس یک بیت با قافیه‌ای متفاوت نسبت به دو بیت قبلی. و این قالبی مثنوی گونه است که از جنبی با مسقط نیز ارتباط دارد یا باید گفت این قالب تلفیقی از مثنوی و مسقط است. این قالب شعری در شعر مشهور وحشی بافقی نیز دیده می‌شود. «دوستان شرح پریشانی من گوش کنید». در دیوان او این شعر را در بخش «ترکیب بندها» آورده‌اند و در پاورقی آن آمده است که در پاره‌ای نوشته‌ها آن را مسقط نامیده‌اند.^۱

گفتم آری بود این رتبه به عنوان دگر که بود قصد از این مرتبه او را دو سفر
یک سفر هست من الحق به حق چون رهبر سفر دیگرش از حق سوی خلق است گذر
سیر اول که من الخلق الی الحق باشد سیر دوم سوی خلق از حق مطلق باشد
اما در ساقی نامه و مثنوی دیگر او که مختصر نیز هست همان قالب مرسوم مثنوی
رعایت شده است.

قصاید

در دیوان مهجور پنج قصیده دیده می شود که سه قصیده اول بترتیب در مدح مولای
متقیان علی (علیه السلام)، امام رضا (علیه السلام) و ولادت ولی عصر (علیه السلام)
است. قصیده چهارم نیز با عنوان محضه امام (علیه السلام) به داستان یکی از زائران امام
سجاد (علیه السلام) و دیدن کرامات آن حضرت اختصاص دارد. قصیده پنجم نیز در
عزالت و خلوت گزینی و رثاء شهدای کربلاست. قصاید اول و دوم در بحر مضارع مثنی
اخر ب مکفوف محذوف (مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعلن) و دو قصیده سوم و چهارم در
بحر مجتث مثنی مخبون محذوف (مفاعلتن فاعلاتن مفاعلتن فاعلن) است.

مطلع دو قصیده اول ملمع است.

اصحبت زائراً لک یا شحنة النجف
بهر نثار مرقده تو نقد جان به کف ***

اصحبت زائراً لک ای شهریار طوس
هستم بر آستان جلال تو خاک بوس

قصیده پنجم نیز در بحر متقارب مثنی سالم (فعولن فعولن فعولن فعولن) است.

در این قصاید تلمیحات و اقتباسات فراوان از آیات و احادیث دیده می شود. همچنین

اشارات زیبایی به ماجرای کربلا دارد.

مستفعلن / مستفعلن / مستفعلن / فع لن (مصراع اول)

مستفعلن / فع لن / مستفعلن / مستفعلن (مصراع دوم)

در «نوحه حضرت ابوالفضل العباس» وزن بیت اول چنین است.

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بیت اول)

فاعلاتن فاعلن / فاعلاتن فاعلن (بیت دوم)

اما وزن مصراع پنجم مانند بیت اول است.

مرغ دل در سینه ام از شوق غم بر می زند قرعه چون بر نام عباس دلاور می زند

کای برادر حال ما، بین تو از راه وفا حاجتم را کن روا، اذن میدان ده مرا

زان که آه تشنگان بر قلبم آذر می زند

این نوحه از نظر قالب هم دارای شیوه تازه‌ای در شعر است. زیرا علاوه بر وزن، قافیه

آن نیز در بیت دوم متفاوت است اما مصراع پنجم با بیت اول از جهت قافیه هماهنگ است.

پس از آن دو بیت بر وزن بیت اول (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) و یک بیت بر وزن بیت

دوم (فاعلاتن فاعلن) (مجموعاً سه بیت) سپس یک مصراع بر وزن بیت اول با قافیه مصراع

پنجم سروده است. از این پس این شیوه دو بیت بر وزن بیت اول یک بیت بر وزن بیت دوم

و یک مصراع بر وزن و قافیه مصراع پنجم تا آخر ادامه می‌یابد که خود نوعی مسط به

شمار می‌رود.

علاوه بر نوحه‌های مذکور در این دیوان در نسخه خطی نوحه‌های دیگری نیز هست

که برخی از آنها ناقص به نظر می‌رسد و ظاهراً کاتب آنها را از حفظ نوشته است زیرا

بخشهایی از آن کامل نشده است و در وزن آنها نیز خلل دیده می‌شود به همین دلیل از

آوردن اینگونه نوحه‌ها در دیوان صرف نظر شد.

دو بیتی و رباعی

مهجور در دو بیتی و رباعی هم طبع آزمایی کرده است. چهار دو بیتی و پنج رباعی جمعاً هجده بیت را در دیوان او دربر می گیرد. در رباعی ها گاهی از لهجه محلی نیز استفاده کرده است.

دگر شو شد که دل تلواس گیرد پی کشت شکیم داس گیرد
بیاد آن لو و دنگدون شو و روز مژده گه لعل و گه الماس گیرد
در دیوان مهجور شش بیت به صورت دو بیت دوباره دربارہ اصطلاحات نجومی هست که نه وزن رباعی دارد نه وزن دو بیتی. یکی دربارہ چهار فصل است و دیگر مثلثه های آبی، بادی، خاکی و آتشی که در نوع خود جالب توجه است. اینگونه ابیات آشنایی مهجور را با علم نجوم نشان می دهد. این شعرها در بخش قطعات آورده شد.

حمل و شیر و قوس آتش یاب ثور و هم سنبله است و جدی تراب
هست جوزا و دلو و میزان، باد سرطان، عقرب است و حوت، ز آب

بحر طویل

مهجور در بحر طویل نیز طبع آزمایی کرده و در این قالب نیز شعر سروده است. تا تقریباً در همه قالبها از خود اثری به یادگار گذاشته باشد. این بحر طویل نیز در رباعی های شهدای کربلاست. که ظاهراً کاستیهایی دارد به طوری که برخی از قسمتهای آن ناقص به نظر می رسد و مفهوم نیست.

جهانگیرخان یکی از علمای بزرگ عصر خود می‌شود. علامه آقابزرگ تهرانی وی را عالمی بزرگ و فقیهی برجسته می‌نامد. وی را از فیلسوفان بزرگ روزگار خود شمرده‌اند. همچنین او در فقه و اصول عمیق و متبحر بوده است و در ریاضیات و حکمت نیز سرآمد. وفات وی را سال ۱۳۲۸ هـ.ق نوشته‌اند.^۱ ظاهراً مهجور مدتی برای تحصیل به اصفهان محل سکونت و تدریس جهانگیرخان رفته است.^۲ همچنین به علت این که این فیلسوف بزرگ به مولد خود یعنی دهاقان رفت و آمد داشته و در روزگار خود مشهور بوده است، هنگام اقامت در دهاقان برخی از علاقه‌مندان از جمله مهجور از محضر او کسب فیض کرده‌اند و تحت تأثیر مشرب فکری او قرار گرفته‌اند.

یکی از مشهورترین استادان مهجور آخوند ملامحمد رحیم متخلص به «منظور» است که خود در شعر و شاعری دستی داشته است.^۳ از شاگردان مشهور او دو تن از همه مشهورترند یکی ملاحسن ادیب و دیگر حاج عزیز اله ابوالقاسمی.^۴

آخرین سخن

دیوان مهجور در سال ۱۳۵۲ با عنوان صبح وصال در قم به چاپ رسیده است. اما ظاهراً در این چاپ درصدد تصحیح آن بر نیامده‌اند و نظم و نسق خاصی نیز به آن داده نشده است. سالهاست که خانواده محترم وصال بویژه نواده ارشد مهجور جناب آقای بزرگمهر وصال آستین همت بالا زده و درصدد چاپ مجدد آن برآمده‌اند. پس از مشورت ایشان با همکار محترم جناب آقای دکتر میرباقری فرد کار تصحیح و تنظیم این دیوان به عهده حقیر گذاشته شد. بنابراین تصمیم گرفتم هنگام عزیمت به خانه خدا در تابستان ۱۳۸۸ در مدت سی چهل

۱. مجموعه آثار حکیم صهبا، تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی و خلیل بهرامی فصرجمی، اصفهان، انتشارات کانون پژوهش، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴ به بعد.

۲ و ۳. سیمای دهاقان، نوشته عبدالرحیم عنافه و اصغر محمدی، اصفهان، انتشارات پیراسته، ۱۳۸۱، ص ۳۰۳.

روزی که در جوار حرم رسول الله (ص) هستم این کار را آغاز کنم. توفیقی دست داد و بخشی از دیوان را در آنجا بررسی کردم و پس از بازگشت نیز به کار بررسی و تصحیح ادامه دادم تا این که بررسی اولیه پایان رسید. احساس کردم تکمیل این کار نیازمند بررسی مجدد است بالاخره چندین بار دیگر دیوان را مطالعه کردم و پس از تطبیق با نسخه دست‌نویس اصلاحات نهایی انجام گرفت.

در این راه باید از سرکار خانم محبوبه همثیان دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان که در پایان یکبار دیگر دیوان را مطالعه و مطابقت کردند و برخی نکته‌های ویراستاری، انتباهات ناپیسی و اختلافات با نسخه دست‌نویس را یادآوری و اصلاح کردند صمیمانه سپاسگزاری کنم. اما چنان که گفته شد به دلایل مختلف هنوز برخی از ابهامات باقی است. امید است زمینه‌ای فراهم گردد که این ابهامات هم برطرف گردد.

در پایان لازم است از خانواده محترم وصال بویزه آقای بزرگمهر وصال به سبب همثیان تشکر نمایم. همچنین از سرکار خانم راحله السادات موسوی فرد همسر آقای مرتضی وصال (فرزند بزرگمهر وصال) به سبب دقت در کار و پیگیری امور و صرف وقت فراوان نیز سپاسگزارم و برای همه کسانی که در راه به ثمر رسیدن این دیوان کمک نموده‌اند آرزوی توفیق می‌کنم.

یادآوری این نکته نیز خالی از فایده نخواهد بود که دیوان محزون هم توسط خانم پروانه وصال و راهنمایی اینجانب و مشاورت آقای دکتر میرباقری فرد تصحیح شده است. امید است که این دیوان نیز چاپ و در معرض استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد. ان شاء الله

حسین آقا حسینی

بهار ۱۳۹۰

ارزش بلاغی شعر مهجور

بررسی شعر مهجور مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که وی شاعری توانا و گاهی صاحب ابتکار بوده است. آشنایی او به زبان عربی و آیات و احادیث، اقتباسات و تلمیحات فراوانی در شعر او پدید آورده است. اگرچه دیوان او اندک است اما در همین میزان هم همه انواع قالبهای شعری دیده می‌شود و در همه آنها نیز بخوبی از عهده برآمده است. ابتکاران او در وزن نیز خود از تسلط وی بر سرودن شعر حکایت دارد.

صور خیال

اگرچه صور خیال را عنصر اصلی و ذاتی شعر شمرده‌اند، اما تنها صور خیال یعنی مجازها و تشبیهات و کنایات و استعارات سازنده شعر نیست، بلکه مضامین و مفاهیم درونی آن نیز در غنای شعر بسیار اهمیت دارد. شعر مهجور هر چند از جهت تشبیه و استعاره و برخی از عناصر بلاغی برجستگی خاصی ندارد اما در حد نیاز و تا آنجا که لازمه شعر است این عناصر بلاغی در شعر او کاربرد دارد. البته گاهی در این زمینه نوآوری‌هایی در شعر او دیده می‌شود. مثلاً وی در یکی از مسمطات خود در توصیف بهار و درختان و میوه‌ها تشبیهات و استعارات زیبایی دارد.

جوانی از سرگرفت زال زر روزگار	سپاه بهمن نمود ز باغ وستان فرار
جلوه طاووس یافت چمن ز باد بهار	قبله جمشید شد لاله به هر لاله زار

کعبه زرتشت شد، گل به سرشاخسار

معرفه الارض را به هندوانه بین	جهان‌نما ساخته است دست جهان آفرین
همه اقالیم سبع درج در او ماء و طین	بر سر دنباله‌اش بین دو قطب زمین

یکی جنوب و یمن، یکی شمال و یسار

عجوزه تاک بین همجو عروسان باغ به گردنش مرسله ز گوهر شبجراغ

جواهر رنگ رنگ گردن و گوش و دماغ جواهرش سرخ و زرد سید و مشکین چو زاغ

ز لؤلؤش دستبند ز گوهرش گوشوار

مهجور شاعری متکلف و متصنع نیست و شعر او ساده و روان است. اما گاهی در شهر او از ظرایف شعری استفاده شده است. صنعت «ردالصدر الی العجز» یکی از این صنایع است که او گاهی در آن هنرنمایی کرده و نوآوری نشان داده است.

از نتاج ذبیح و ز نثراد خلیل و ز نثراد خلیل او مهنین تر سلیل

از سلیل لبش چشمه سلیل سلیل لبش کرده جان را سلیل

کرده جان را سلیل کموثرش در دهن

نکته آخر این که در دیوان مهجور اندکی از واژه‌های بیگانه نیز راه یافته است. که این واژه‌ها ظاهراً واژه‌های مرسوم زبان روزگار شاعر بوده است مثل: کمیسیون، کاپیتانی، فرم و امثال آن.

این مطالب، فشرده‌ای از ویژگیها و قالبهای شعری دیوان مهجور است. مطالعه و بررسی کامل دیوان می‌تواند خواننده را با نکات دیگری آشنا سازد

استادان و شاگردان

چنان که گذشت مهجور از محضر حکیم متاله و فیلسوف مشهور متأخر جهانگیرخان قشقایی بهره برده است. ولادت جهانگیرخان را در سال ۱۲۴۳ ه‍.ق در دهقان نوشته‌اند. وی اصالتاً از ایل قشقایی بوده و به دامداری و کشاورزی اشتغال داشته است و ظاهراً بر اثر یک اتفاق به علم آموزی روی می‌آورد. این حادثه در چهل سالگی اتفاق می‌افتد. در هر حال